

## به یاد مردی صمیم و پاکدل

بقلم آقای حبیب یغمائی

مدیر مجله یغما

سعید نفیسی از بزرگان نویسندگان معاصر، در سن هفتاد و اند از جهان رفت، و روز ۲۴ آبان ۱۳۴۵ مطابق دوم شعبان ۱۳۸۶ کالبدش با تشییعی عظیم از مدرسه عالی سپهسالار بمزار خانوادگیش (سرقبر آقا - جنوب طهران) حمل و بخاک سپرده شد.

نفیسی فرزند مرحوم میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء کرمانی از خاندان های معروف ایران است، وی برخلاف بسیاری از افراد خانواده اش که از رجال سیاست بشمار می آیند، تنها به ادب و فرهنگ و نویسندگی گرائید و نیک نامی اندوخت.

نفیسی پرکارترین و معروف ترین نویسندگان این عصر است، تألیفات او به دو بیست و پنج کتاب و رساله می رسد و مقالاتش را نمی توان تحدید کرد، و او را قی که بخط دست خود نوشته شاید از میلیون ها سطر در بگذرد. بسیاری از دو اوین شاعران قدیم را به خط خود نوشته، و همچنین اشعار بسیاری از شاعران معروف و غیر معروف معاصر را فراهم آورده و کتابت فرموده که اگر آن همه یکجا شود تذکره ای از تمامی و کمال بے مانند خواهد بود. (از آن جمله جزوه ای از اشعار مرحوم نظام وفا کاشانی است که وقتی به بنده لطف کرده است.)

نفیسی در فارسی نویسی مهارتی شگفت انگیز داشت، از نویسندگان معاصر کسی را نمی شناسم که به شتاب و سرعت چیز بنویسد بی هیچ اشتباه و بی قلم خوردگی و در نهایت سادگی و روانی. نمونه مکتوبات مرحوم عباس اقبال در دست است که با تأمل و قلم خوردگی است، مرحوم فروغی هم آنچه می نوشت یکی دو بار می خواند و تصحیح

می کرد ، مرحوم محمد قزوینی که در این باره وسواس داشت . همچنین دیگر نویسندگان معاصر کم و بیش در نوشته خود تجدید نظر می کردند و می کنند . هنرمندی نفیسی در این بود که یک بار می نوشت و روان و بی غلط می نوشت و اگر گاهی تساهلی در موضوع هائی معدود در نوشته هایش دیده شود به علت شتاب و حرارت و زبردستی اوست در نوشتن .

نفیسی مردی بود صمیم و معصوم و پاکدل و خوش نیت و یکترو ، وقتی از کسی می رنجید ، روی در روی بی ملاحظه و شاید باتلخی و زندگی گله می کرد ، و چه را در مردی و بزرگواری که زبانش با دلش یکی بود ، یعنی آب زیر کاه نبود .

\* \* \*

نفیسی در خارج از ایران هم در ادب و نویسندگی شهرت و معروفیت داشت ، او در دانشگاه های بسیاری از کشورهای دور و نزدیک تدریس کرده بود ، غالب بزرگان ادب جهان وی را می شناختند و با او مکاتبه داشتند ، و تصور می رود از این روی بر دیگر ادبای معاصر امتیاز داشت .

\* \* \*

من نخستین بار در اردی بهشت سال ۱۳۰۰ شمسی نفیسی را زیارت کردم . در آن موقع جوانی بود بیست و هفت و هشت ساله ، باریک و بلند اندام ، با سبیلی سیاه و قیطانی که پاپیونی زده بود و جامه های تمیز و سیاهرنگ و اروپائی دوخت بتن داشت . از آن تاریخ همواره از محضر و فضایل وی برخوردار شده ام . با این که هیچ گاه آمد و شد و روابط ما قطع نشد اتفاق نیفتاد که با وی هم سفر شوم مگر یکبار که با او و دکتر حسین خطیبی در شهمیرزاد سمنان میهمان دکتر ذبیح الله صفا بودیم و شبانروزی گذرانیدیم .

\* \* \*

در سال ۱۲۹۸ شمسی مجله ادبی دانشکده که از مجلات خوب فارسی است انتشار یافت . ( فقط یک سال ) . ملک الشعراء بهار ، عباس اقبال آشتیانی ، غلامرضا رشید یاسمی کرمانشاهی و سعید نفیسی ، ارکان اربعه این مجله بودند . آن سه ، پیش از نفیسی رفتند و نفیسی از بے آنان رفت .

آن گرد شتابنده که بردامن صحراست گوید چه نشینی که سواران همه رفتند

\*\*\*

اگر از نفیسی کتابی بامانت می‌خواستند - و گرچه آن کتاب نفیس و قیمتی بود - دریغ نمی‌کرد. در کتابخانه اش کتاب‌هایی ارجمند فراهم آورده بود که در این اواخر همراه فروخت، و چنان که در آخرین ملاقات می‌گفت (دهه دوم شهریور ۱۳۴۵ در کنگره جهانی ایران شناسان) مصمم بود در پاریس مقیم شود و ترك دیار گوید که اجل مجالش نداد.

\*\*\*

نفیسی در زبان و ادبیات فرانسه در خواندن و نوشتن و مکالمه استادی مسلم بود، شعر هم می‌گفت و چون دیوانش بچاپ رسیده اهل فن و ادب شعر وی را چونان که هست درمی‌یابند.

\*\*\*

نفیسی را چهار فرزند است: دو دختر و دو پسر که همه برآمده‌اند و در خور خود مقامی ارجمند دارند. خانم نفیسی از زنان فاضله و تربیت‌شده ایران خواهر ارجمند مسعود فرزند است.

\*\*\*

سعید نفیسی چنانکه مرحوم پدرش ناظم الاطباء در صفحه اول قرآن نوشته در سال ۱۳۱۲ قمری متولد شده و چون در اوایل شعبان ۱۳۸۶ وفات یافت ۷۴ سال قمری هجری عمر کرده است. هر چند هفتاد و اند سال عمری کوتاه نیست ولی برای شخص دانشمند و بهره‌بخشیده بسیار کم است و دریغ بود که باین زودی بمیرد. زیرا مادر روزگار همانند این‌گونه بزرگان را کم خواهد آورد. رحمة الله علیه.